

از تاریخ بنای شهر

الهامه محمداوا

دکترای فلسفه تاریخ

مقاله ۲ - آالات

مدخل:

اراضی تبریز واقع در دامنه کوههای سیلان و سهند از زمان‌های باستان مسکن انسان بوده است. غنای خاک و موقعیت سیاسی-جغرافیایی آن این زمینه مساعد را فراهم می‌آورد. آذربایجان (تبریز) در اغلب دوره‌ها منطقه مرکزی کشور به حساب می‌آمد.

یاقوت حموی، حمدالله مستوفی قزوینی از مورخان قرون وسطی و ژان شاردن، سیاح فرانسوی قرن هفدهم، بنیانگذاری شهر تبریز را با نام زبیده‌خاتون، همسر هارون الرشید (۸۰۹-۷۸۶)، خلیفه عباسی مرتبط می‌دانند (حمدالله مستوفی قزوینی، ۱۹۸۳، ۳). اما اگر مآخذ و نتایج حفاری‌های باستان‌شناسی را مد نظر قرار دهیم، معلوم می‌گردد که بنای شهر به دوره‌های بسیار قبل از آن مربوط می‌شود.

طی حفاری‌های باستان‌شناسی در تبریز، اشیای مفرغی، آهنی و همچنین اشیای مهم مربوط به تاریخ دوره هخامنشیان کشف شده است. حفاری‌ها در

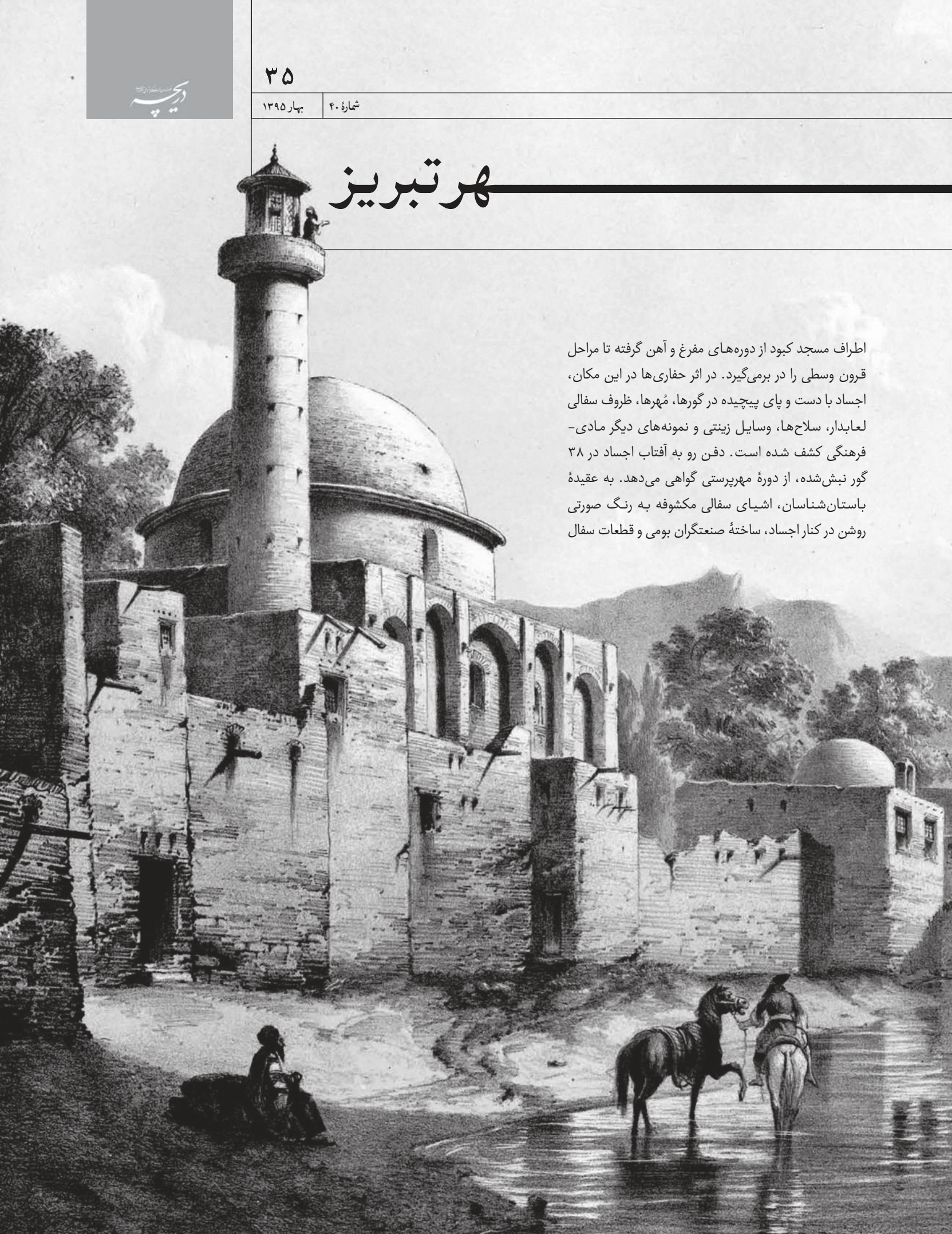
در ارتباط با بنای شهر تبریز و نام آن در منابع تاریخی و معاصر نظریه‌های مختلف و در عین حال، متضاد با هم موجود است. تحریر نام شهر به شکل‌های مختلف در مآخذ، تعیین تاریخ بنا و تعیین ریشه نام آن را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. از این منظر، مقاله پیش رو براساس منابع تاریخی قدیم و اعصار میانه و براساس نتایج حفاری‌های باستان‌شناسی به تشریح علمی تاریخ بنای شهر و دیارشناختی «تبریز» می‌پردازد.

واژه‌های اساسی: تبریز، تاروی، تارماکیس، شهر، قلعه.



هر تبریز

اطراف مسجد کبود از دوره‌های مفرغ و آهن گرفته تا مراحل قرون وسطی را در برمی‌گیرد. در اثر حفاری‌ها در این مکان، اجساد با دست و پای پیچیده در گورها، مُهرها، ظروف سفالی لعابدار، سلاح‌ها، وسایل زینتی و نمونه‌های دیگر مادی-فرهنگی کشف شده است. دفن رو به آفتاب اجساد در ۳۸ گور نبش‌شده، از دوره مهرپرستی گواهی می‌دهد. به عقیده باستان‌شناسان، اشیای سفالی مکشوفه به رنگ صورتی روشن در کنار اجساد، ساخته صنعتگران بومی و قطعات سفال





خاکستری‌رنگ در مراحل بعدی، مختص فرهنگ طوایفی بوده که ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد در اینجا سکنا گزیدند (بهمنش‌راد ۱۳۸۹، ۱۰). پیش از این، ظروف سفالی سرخ‌رنگ در این اراضی کشف شده بود که این هم از سکونت مشترک مهاجران با مردم بومی در اینجا گواهی می‌دهد.

تاریخ قدیم نشان می‌دهد که سارگن دوم، پادشاه آشور در سال ۷۱۴ قبل از میلاد در حین حمله به ماد از قلاع تاروی تارماکیس هم نام می‌برد. براساس کتیبه‌های میخی، سارگن دوم در کتیبه‌های دیواری به مناسبت پیروزی، تصرف و آتش زدن یک سری از شهرها از جمله شهرهای تاروی و تارماکیس واقع در مملکت دالائی‌ها را نیز ذکر کرده است (قشقایی، ۲۰۰۶، ۳۹). م. ای. دیاکونوف، دانشمند روس قلاع تاروی تارماکیس را تو در تو می‌نامد.

معلوم است که قلعه‌های دفاعی در شرایط متفاوت جغرافیایی احداث می‌شدند و از نظر شکل به تنوع نیاز داشتند. قلاعی که در بالای کوهها بر پا می‌گردیدند، دارای برج و بارو بودند. قلعه‌های احداث شده در دشت‌ها علاوه بر بارو، با خندق عمیق در اطراف خود محصور می‌شدند. قلاع ساخته شده در داخل حصار عبارت بودند از دو قلعه کوچک و بزرگ. همان‌طور که م. ای. دیاکونوف می‌نویسد، شاید قلاع تاروی و تارماکیس مذکور در منابع میخی دو قلعه تو در تو، یعنی دو قلعه کوچک و بزرگ واقع در محل شهر تبریز در عهد باستان بوده باشند. در همه حال، بنای شهر دلایل مختلفی داشته است. تبدیل گشتن سرزمین‌های سرشار از منابع مناسب آب به محل سکونت و همان‌طور که تأکید شد، با افزایش جمعیت در اطراف قلاع تاروی و تارماکیس، شکل‌گیری شهر ممکن گردید. عواملی مانند پناه گرفتن مردم در یک قلعه برای دفاع در مقابل حملات از خارج و یا تقدس مکان در مقابل هراتفاق غیرمترقبه یا حادثه طبیعی (فوران آتش، آتشفشان و غیره)، وجود آتشکده در اینجا، جوشیدن آبهای معدنی از دل خاک آن و غیره، دلایل اصلی بنای تبریز پیش از میلاد به شمار می‌روند.

براساس کتیبه‌ای که به فرمان پادشاه آشور

نوشته شده، شهر تاریخ ۳۰۰۰ ساله دارد. این قلعه در همین منبع تو در تو و محکم تصویر می‌شود، وجود عمارات زیبا با سقف پوشیده از درخت سدر در آنجا، باغ‌ها و کشتزارها در اطراف آنها، رودخانه جاری در آن، سدهای محکم و خندق‌های عمیق در پشت آنها ذکر شده است. در عین حال، تأکید شده است که تمامی ذخیره غلات، خواربار قشون دولت و علوفه حیوانات در قلعه تارماکیس حفاظت می‌گردید، اسبهایشان در آنجا پرورش می‌یافتند. ساکنان مناطق اطراف نیز در هنگام حملات در آنجا پناه می‌گرفتند (دیاکونوف، ۱۹۵۱، ۹۷-۹۶).

در آغاز هزاره اول قبل از میلاد در اراضی شهر، «ممالک» زیکورت (تبریز و میانه) و سانگیوت مادها (تبریز، مرنند و خوی) واقع بودند (علی‌اوف، ۱۹۶۰، ۴۰). آنها به لحاظ اقتصادی مناطق توسعه یافته محسوب می‌شدند. در یک کلام، همه امکانات لازم برای زندگی و دفاع در منطقه وجود داشت. شکل‌گیری این نوع شهرهای واقع در تقاطع چهارراه، به لحاظ اقتصادی توسعه یافته در مدت کوتاهی در زمان‌های باستان ممکن نبود. واقعیات حفاری‌های باستان‌شناسی تأیید می‌کنند که تبریز خیلی پیش از هجوم سارگن دوم وجود داشته؛ منطقه‌ای که شهر تبریز در آن واقع است، ۳۵۰۰ سال پیش از این مسکن انسان بوده است.

تصور بنای شهر به دست زبیده‌خاتون در میان مردم و مورخان قرون میانه بی‌دلیل نبوده است. در اینجا زلزله‌های زیادی روی می‌داد و شهر دوباره بر پا می‌گردید. گمان می‌رود این تعبیر با امر زبیده‌خاتون مبنی بر بازسازی ویرانی‌ها مربوط بوده است. یادآوری کنیم که چشمه زبیده‌خاتون تا دوره مورد بررسی ما جاری بود. در عین حال لازم به تأکید است که ما به هیچ منبعی که آمدن زبیده‌خاتون به تبریز را تأیید کرده باشد، برخوردیم.

منابع مرتبط با توضیح ریشه تاریخی دیارشناختی «تبریز» و دیدگاه‌های مختلف در تاریخ‌شناختی موجود است. ژان شاردن، سیاح فرانسوی قرن هفدهم اذعان کرد که «من هیچ شهر دیگری را نمی‌شناسم که ریشه و نام اولیه آن موجب این همه

بحث در میان کارشناسان معاصر گردیده باشد» (شاردن، ۱۹۹۳، ۷۶). این تفکر، صرف‌نظر از بیان آن در قرن هفدهم، اعتبار خود را هنوز از دست نداده است. سید احمد کسروی، مورخ فقید در این باره چنین نوشت: «آنچه درباره تبریز در کتاب‌ها نوشته‌اند و یا بر زبان‌ها می‌گویند، همه عامیانه و نادرست است و من با همه جست‌وجوهایی که به‌کار برده‌ام، به معنی آن نرسیدم و بهتر دیدم به حال خود بگذارم» (کسروی، ۱۳۲۵، ۹).

برخی مورخان طرز نوشتن دیارشناختی در مآخذ را بررسی می‌کنند و برخی دیگر نیز با تکیه بر شکل کنونی، برای کشف معنی آن کوشش می‌کنند. این کلمه در زبان خلق‌های مختلف و در سفرنامه‌ها به اشکال مختلف تلفظ شده و در طول زمان تغییراتی داشته است. با توجه به تغییر نام مکان‌ها در تاریخ، به‌طور قطعی می‌توانیم بگوییم که به اتکای شکل کنونی نام (تب - ریز)، کشف معنی واقعی کلمه ممکن نیست.

در مآخذ اعصار میانی، تبریز با عناوین قزا، قازاکا، قابریک، گنجک، گنجه، شاهستان، آذرباد، قابریز، شوز، یا شوش ذکر شده است. سیاحان اروپایی مانند آ. اولاریوس، ژ. و. تاورنیه، ژ. شاردن، همچنین اروج بیگ بیات (دُون ژوان) از شهر اکباتان به عنوان پایتخت مادها سخن می‌گویند (اولاریوس، ۱۸۷۰، ۷۱، ۷۳۴؛ تاورنیه، ۱۳۳۶، ۴۱؛ شاردن، ۱۹۹۳، ۷۷-۷۸، کتاب اروج بیگ، ۱۹۸۸، ۴۷).

همان‌طور که گفته شد، در برخی مآخذ (حمدالله مستوفی قزوینی، *نزهت‌القلوب* و غیره)، بنای شهر تبریز را با نام زبیده‌خاتون، همسر هارون‌الرشید مرتبط می‌دانند. گویا زبیده‌خاتون به تب سنگینی مبتلا بوده، در سفر به تبریز تشب می‌برد و به همین مناسبت در اینجا شهر جدیدی را بنا می‌نهد. این شهر را «تب + ریز» (در زبان فارسی، «تب» به معنی حرارت، گرما و «ریز» زمان حال مشتق از مصدر «ریختن» است)، یعنی «محل ریختن تب» نام داده است. نمونه‌های این چنینی زیادی را در خصوص بنای بسیاری از شهرهای باستانی در فرهنگ مردم می‌توان یافت. در اینجا لازم به تأکید است که، مآخذ



(گرانوفسکی، ۲۰۰۷، ۳۳۳-۳۲۰). پرفسور ای. علی‌اوف، نظر مربوط به هند - اروپایی بودن کلمه را صحیح دانسته، می‌نویسد که تاروی (تارووی)، به معنی ظفرآفرین است، بعدها هم به معنی خدا (دیو) به کار می‌رفته است. دیارشناختی تاروی - تارماکیس نشان می‌دهد که پرستش خدا درست در آغاز هزاره اول قبل از میلاد در منطقه تبریز رایج بوده است (تاریخ آذربایجان، جلد اول، ۱۹۹۸، ۲۳۶).

برخی مورخان نام تبریز را با نام تومیریس، فرمانروای ماساگیت وابسته دانسته و مشتق از کلمه تومراکیس، تارماکیس می‌دانند و این را که روستاییان اهر امروزی تبریز را تومروس می‌نامند، شاهد می‌آورند. محمدتقی زهتابی (کیریشچی) می‌نویسد: کلمه تبریز بسیار پیش از کلمه «تومیریس» وجود داشته... این دو کلمه رابطه آوایی با هم دارند، حتی اگر میان آنها پیوندهای لغوی هم وجود داشته باشد، هنوز برای ما روشن نیست (زهتابی، ۱۳۷۸، ۶۳۶).

کسانی هستند که کلمه «توری» را وابسته به طوایف ترک - اوغوز می‌دانند. سیدآقا عون‌الهی در رد این مدعا می‌نویسد که هنگام پیدایش کلمه

و کلمه «مرند» در زبان ارمنی به معنی دفن است) مانند نامیدن تبریز از سوی مورخان ارمنی «جاهلان» خوانده است (کارنگ، ۱۳۵۷، ۲۹۳).

و. مینورسکی ضمن بیان عقیده خود، در این باره می‌گوید: نظر به اینکه حادثه در هیچ منبع تاریخی ذکر نشده، این روایت مبنای علمی ندارد (مینورسکی، ۱۹۲۸، ۶۳۲). باید تأکید کنیم که منبع مورد نظر مورخان ارمنی، یعنی نام شهر در کتاب فاستوس بوزاند «تاورژ» نوشته شده است نه «داورژ». خود این هم درباره چگونگی پیدایش و ریشه کلمه، پرسش‌هایی را مطرح می‌سازد. شرح وقایع مرتبط با دیارشناختی تبریز و تشکیل شهر در منابع مکتوب پانزده قرن پیش از دوره زندگی زبیده‌خاتون و ده قرن قبل از مدعیات جعلی آرامنه، هر دو روایت را تکذیب می‌کنند.

همان‌طور که در منابع آمده است، در رابطه با نام شهر نظرهای متضاد در منابع تاریخی نیز موجود است. ا. آ. گرانوفسکی، دانشمند روس برای روشن کردن معنی کلمه کوشیده، توضیح همه‌جانبه‌ای بیابد. او در نتیجه نهایی نشان می‌دهد که «تبریز» از کلمه ایرانی «تاروی» مشتق شده و با دیو مذکور در اوستا وابستگی دارد

زیادی درباره بنای شهر تفلیس، پایتخت گرجستان از طرف زبیده‌خاتون نیز وجود دارد (خونجی، ۱۹۸۷، ۱۰۱).

با این حال، آرامنه سعی می‌کنند این کلمه را به زبان خود توضیح دهند. گویا خسرو، پادشاه اشکانی ارمنستان انتقام خون بردارش را از اردشیر بابکان، فرمانروای ساسانی در این شهر گرفته و او را تا هندوستان عقب رانده، بنای شهر را در سال ۲۳۵ پایه‌گذاری کرده و آن را «داورژ» (انتقام) نام نهاده است. سید احمد کسروی می‌نویسد که تصور نوشتن این کلمه در کتب آرامنه به صورت «داورژ» به معنی «انتقام»، «این است انتقام گرفتن»، به طور کلی غلط است. غلط‌تر از اینها آنکه از این راه تاریخ می‌سازند. مثلاً درباره تبریز چون چشمه‌ای در آن شهر به نام «قنات زبیده» روان است، این را با آن معنایی که به نام شهر داده‌اند، درهم آمیخته چنین می‌گویند: «زبیده، زن هارون الرشید چون تب می‌داشت، به تبریز آمد و در اینجا تبش برید. این بود که آنجا را آباد گردانیده و نامش را تبریز گذاشت». در حالی که تبریز باستانی تراز زمان هارون بود (کسروی، ۱۳۳۲، ۲۷۲). عبدالعلی کارنگ هم توضیح ریشه نام شهر مرند را (گویا همسر نوح پیغمبر در مرند مدفون است



«تاورى»، «تارماکيس» و يا «تاوژ» سکونت قبایل ترک زبان در اراضی تبریز امروزی هنوز برای دنیای علم معلوم نیست (عون الهی، ۱۹۸۲، ۴۰).

همان طور که در آغاز گفته شد منطقه‌ای که این شهر در آن واقع است، در کتیبه سارگن دوم، پادشاه آشور، تاروی - تارماکيس نامیده می‌شود. در حال حاضر این شهر و منطقه را در زبان‌های کردی «تاورى» می‌نامند. کلمه «تورى» («tovri»، «tourî») در زبان مردم بومی به معنای چشمه جوشان هم به کار برده می‌شود. با حرکت از مبدأ تاریخ‌شناختی، کم نیستند کسانی که کلمه «تاروی» را («تا» یعنی گرم، جوشان و «رو» به معنای رودخانه)، «رودخانه جوشان پر آب» معنی می‌کنند.

اگر دقت کنیم، کلمه «تور» در ریشه کلمات «تورى»، «تورى»، «تورى»، «تورى» قرار گرفته است. باید توجه داشته باشیم که صداهاى «و» و «او» جایگزین آوایی در زبان هستند. در سوره «تور» قرآن کریم نام کوه «تور» ذکر شده است (قرآن کریم، سوره تور، آیه ۱). خداوند در کوه تور به موسی پیغمبر وحی داد. شاید کلمه «تور» در زبان مردم بومی آسیای نزدیک به معنی کوه به کار رفته باشد.

در سرزمین‌های آلتای و آسیای مرکزی کوههایی وجود دارند که نام آنها به بخش «تاو» و «تاو» (آلاتاو، بایستائو و غیره) ختم می‌شود. این کلمه در زبان‌های ترکی بی‌هیچ تردیدی، به معنی سرزمین‌های کوهستانی به کار برده می‌شود. تاور، تاوریدا، تاوریا (سرزمین تاورها) هم از نام‌های باستانی سرزمین کوهستانی کریمه است. این نام، نام قوم ساکن شبه جزیره نیز بوده است.

در افسانه‌های بومی هم نام کوه تور آمده است. در نظام عقاید باستانی، ستایش کوه جایگاه گسترده‌ای دارد. وجود برخی ویژگی‌های فیزیکی در کوهها (نمای خارجی، ذخایر طبیعی، وقوع حوادث غیرمترقبه در آنها- فوران آتشفشان و یا وجود گازهای مشتعل و غیره) موجب می‌شد که انسان‌ها آنها را به درجه خدای ارتقاء دهند. در حال حاضر در منطقه‌ای که تبریز در آن واقع است، بقایای آتشکده مشهور به «آتشکده زرتشت» در بالای

کوه الله اکبر (در نزدیکی کوه بابا) موجود است. به استناد مآخذ می‌دانیم که در کوه سُرخاب واقع در دامنه تبریز آتشکده متعلق به دوره ساسانیان وجود داشته که بعدها به زیارتگاه دین اسلام (عینالی، زینالی) تبدیل گردید. همان طور که گفتیم، هر دین هنگام شکل‌گیری خود از دین و باورهای دینی پیش از خود، همچنین از فرهنگ مردم بهره گرفته است. این سرزمین از دوره مفرغ محل سکونت بوده، اگر هم جوامع قبیله‌ای باستانی در اینجا وجود داشته، به معنی آن است که نطفه‌های انسان‌های اولیه در آن هنگام پیدایش یافته است. با احتمال قوی می‌توانیم بگوییم که قبل از آتش‌پرستی نیز در اینجا اماکن دینی وجود داشته است.

با تکیه بر این منطق، پیوند دادن کلمه «تور» با کوه و خدا را می‌توان قانونمند شمرد. حتی مؤلفان دوره باستان (پولیبی، دیودور، پتولومی) نیز راجع به واقع بودن شهر تبریز در دامنه کوه اورونت (بورونت) نوشته‌اند (فاضلی، ۱۹۸۴، ۵۶). توماس هربرت، سیاح انگلیسی می‌نویسد که این شهر واقع در دامنه کوه تائوروس نامش را از آن گرفته است، ترک‌ها و فارس‌ها آن را «تبریز» (تابه ریز) می‌نامند (توماس هربرت، ۱۶۳۸، ۱۹۴).

در نتیجه اختصار، کلمه تائورا- تارماکيس (قلعه تو در تو) به شکل کلمات تائوروس ← تاوروس ← تاوروز ← تاوریز ← تبریز در آمده است. با جمع‌بندی همه موارد می‌توانیم بگوییم که کلمه «تور»، اولین شکل نام تبریز به معنای کوه مقدس (الهی) بوده، در روند اعصار تغییرات آوایی یافته، به شکل امروزی در آمده است.

تبریز در تمدن اولیه قرون وسطی مانند سرزمین صاحب تمدن دولت آتروپاتن نشان داده می‌شود. بر اساس کتاب فاوستوس بوزاند، مورخ قرن ششم معلوم می‌گردد که، این شهر در دوره حیات نویسنده، محل سکونت توسعه یافته‌ای بوده است. در این کتاب نام «تاوتش» سه بار ذکر شده و وقوع جنگ‌ها در اینجا توصیف گردیده است (تاریخ ارمنستان، ۱۹۵۳، ۱۱۴-۱۱۳؛ ۱۱۹؛ ۱۴۶). حوادث توصیف شده در این کتاب، در قرن ششم روی داده است و بردن

نام تبریز (تاورش) در همان دوره و واقعیت حفظ اردوگاههای جنگی فرمانروا در آنجا نشان می‌دهد که قلعه نظامی- استراتژیک مهم ساسانیان در این شهر واقع بوده است.

تبریز به عنوان یکی از شهرهای آتروپاتن در دوره اشغال‌های اعراب به لحاظ سیاسی - اقتصادی آنقدرها هم معروف نبود. در هنگام سقوط دولت ساسانی احتمال دارد که حیات در تبریز تغییر یافته، یا اراضی آن به یک آبادی کوچک تبدیل شده باشد (قاسم‌اوا، ۱۹۸۳، ۲۶). اگرچه اردبیل در اوایل دوره خلافت توسعه یافته بود، در اواخر آن تبریز برتری کسب کرده، از قرن دهم به بعد، به یکی از شهرهای مشهور آذربایجان تبدیل گردید.

جمع‌بندی: نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که شهر تبریز همان طوری که در برخی منابع و متون تاریخ‌شناختی گفته می‌شود، در دوره خلافت پدید نیامده است. این شهر حتی در دوره مفرغ هم محل سکونت بوده، تبریز در قرن چهارم قبل از میلاد شهر مهم نظامی - استراتژیک ساسانیان محسوب می‌شده است. توضیح ریشه‌شناختی کلمه «تبریز» به معنی «کوه» منتهی می‌شود.

منابع

1. Хамдаллах Казвини. Нузхат Ал-Кулуб. (Материалы по Азербайджану). Перевод с английского З.М.Бунятова, перевод с персидского И.П.Петрушевского. Баку: Элм, 1983, 66 с.
2. حمدالله مستوفی قزوینی. *نزهت‌القلوب* (بخش‌های مربوط به آذربایجان، ترجمه ز.م. بنیاد اوا از زبان انگلیسی، ترجمه ای. پ. از زبان فارسی. باکو: انتشارات علم، ۱۹۸۳، ص ۶۶.
3. بهمنش‌راد، جواد. *در جست‌وجوی هویت شهری تبریز*. تهران، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۹، ۴۴۳ ص.
3. Qaşqay Solmaz. Qədim Azərbaycan tarixi mixiyazılı mənbələrdə. Bakı: Təhsil, 2006, 148 s.

- قشقای، سولماز. *تاریخ باستان آذربایجان در منابع میخی*، باکو: انتشارات تحصیل، ۲۰۰۶، ص ۱۴۸.
4. Onullahi S.M. XIII-XVII əsrlərdə Təbriz şəhəri (sosial-iqtisadi tarixi). Bakı: Elm, 1982, 280 s.
- عون الهی، سیدآقا. *شهر تبریز در قرنهای سیزدهم تا هفدهم (تاریخ اجتماعی - اقتصادی)*، باکو: انتشارات علم، ۱۹۸۲، ص ۲۸۰.
5. Дьяконов М. Ассиро-вавилонские источники по истории Урарту // Вестник древней истории, № 2, 1951, 96-97 с.
- دیاکونوف، م. «منابع آشوری - بابلی در خصوص تاریخ اورارتو»، *مجله تاریخ قدیم*، شماره ۲، ۱۹۵۱، ص ۹۶-۹۷.
6. Алиев И. История Мидии. Баку: Издательство Академии Наук Азербайджанской ССР, 1960, 360 с.
- علی اوف، ای. *تاریخ ماد*، باکو: انتشارات فرهنگستان علوم آذربایجان شوروی، ۱۹۶۰، ص ۳۶۰.
7. Jan Şardən. Parisdən İsfahana səyahət. (fransız dilindən tərcümə edən V.Aslanov), Bakı: Elm, 1993, 96 s.
- شاردن، ژان. *سیاحت از پاریس تا اصفهان*، ترجمه و. اصلانوف از زبان فرانسوی، باکو: انتشارات علم، ۱۹۹۳، ص ۹۶.
۸. کسروی، احمد. *آذری یا زبان باستان آذربایجان*، چاپ سوم، تهران، ۱۳۲۵، ص ۵۵.
9. Адам Олеарий. Подробное описание путешествия Голштинского посольства в Московию и Персию в 1633, 1636 и 1639 годах. Перевод с немецкого П.Барсова. Москва: Университетская типография, 1870, 1082 с.
- اولتاریوس، آدام. *شرح جزئیات سفرسفارت هلشتاین به مسکو و ایران در سالهای ۱۶۳۳، ۱۶۳۶ و ۱۶۳۹*، ترجمه پ. بارسووا، مسکو: چاپخانه دانشگاه، ۱۸۷۰، ص ۱۰۸۲.
۱۰. تاورنیه، ژان باتیست. *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان، ۱۳۳۶.
11. Книга Орудж-бека Баята — дон Жуана Персидского. Перевод с английского, введение и комментарии Октяя Эфендиева, Акифа Фарзалиева, Баку: Язычы, 1988, 119 с.
- اروج بیک بیات. *دون ژوئن ایرانی*، ترجمه از زبان انگلیسی، با مقدمه و حواشی اکتای افندیف، آکیف فرضعلی اوف، باکو: انتشارات یازیچی، ۱۹۸۸، ص ۱۱۹.
12. Фазлуллах ибн Рузбихан Хунджи. Тарих-и алам-арайи Амини. Баку: Элм, 1987, 172 с.
- فضل الله ابن روزبهان خنجی. *تاریخ عالم آرای امینی*، باکو: انتشارات علم، ۱۹۸۷، ص ۱۷۲.
۱۳. کسروی، احمد. *کاروند کسروی*، به کوشش یحیی ذکاء، تهران، انتشارات فرانکلین، ۱۳۳۲، ص ۵۸۸.
۱۴. کارنگ، عبدالعلی. «مزند و آثار تاریخی آن»، مجموعه سخنرانی‌های ششمین کنگره تحقیقات ایرانی، جلد سوم، تبریز، انتشارات دانشگاه آذربایجان، ۱۳۵۷، ص ۳۰۳-۲۹۲.
15. Minorski V. Tabriz. Separat-Abdruck Aus: "Enzyklopaedie des Islam". Leiden, 1928, 630-643 s.
- مینورسکی و. «لیدن Separat-Abdruck Aus» تبریز، خارج از احساسات، «دایرةالمعارف اسلامی» ۱۹۲۸، ص ۶۴۳-۶۳۰.
16. Грантовский Э.А. Ранняя история иранских племен Передней Азии. (издание второе, исправленное и дополненное), Москва: Издательская фирма «Восточная литература» РАН, 2007, 509 с.
- گرانتوفسکی، ا.آ. *تاریخ باستان قبایل ایرانی آسیای نزدیک* (نشر دوم، تصحیحات و اضافات)، مسکو: شرکت انتشارات ادبیات، فرهنگستان علوم روسیه، ۲۰۰۷، ص ۵۰۹.
17. Azərbaycan tarixi: 7 cildlik, I cild, Bakı: Elm, 1998, 476 s.
- تاریخ آذربایجان*، ۷ جلدی، جلد اول، باکو: انتشارات علم، ۱۹۹۸، ص ۴۷۶.
18. Məhəmməd Tağı Zehتابی (Kirişçi). İran türklərinin əski tarixi (Ən qədim dövrdən İskəndərə qədər). 1-ci cild, ikinci çap, Təbriz: Əxtər nəşriyyatı, 1378, 880 s.
- زهتابی (کیریشچی)، محمدتقی. *ایران، تاریخ قدیم ترک‌ها از دوران باستان تا اسکندر*، جلد اول، نشر دوم، تبریز: انتشارات اختر، ۱۳۷۸، ص ۸۸۰.
19. Qurani-Kərim, Tur surəsi, ayə 1
- قرآن کریم*، سوره تور، آیه ۱.
20. Fazili A.H. Azərbaycanın qədim və orta əsrlər tarixi İran tarixşünaslığında (III – VII əsrlər). Bakı: Elm, 1984, 196 s.
- فاضلی، آ.ح. *تاریخ قدیم و قرون میانی آذربایجان در تاریخ شناختی ایران (قرن‌های سوم تا پنجم)*، باکو: انتشارات علم، ۱۹۸۴، ص ۱۹۶.
21. Thomas Herbert. Some years travels into divers parts of Asia and Afrique. London: Printed by R.Bi. for Yacob Blome and Richard Bifbop, 1638, 378 p.
- هربرت، توماس. *چند سال سفر به اعماق بخش‌های آسیا و آفریقا*، لندن: انتشارات آر. بی. یاکوب و ریچارد بایفبوپ، ۱۶۳۸، ص ۳۷۸.
22. История Армении Фавстоса Бузанда. Под редакцией С.Т.Еремяна, Ереван: Издательство Академии Наук Армянской ССР, 1953, 239 с.
- بوزاند، فاستوس. *تاریخ ارمنستان*، با ویراستاری س.ت. ارمیان، ایروان: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری ارمنستان شوروی، ۱۹۵۳، ص ۲۳۹.
23. Касумова С.Ю. Азербайджан в III – VII вв. (проблема этно-культурной и социально-экономической истории). Баку: Элм, 1983, 168 с.
- قاسم اوا، س. یو. *آذربایجان در قرن‌های سوم تا پنجم (مسائل قومی - فرهنگی و تاریخ اجتماعی - اقتصادی)*، باکو: انتشارات علم، ۱۹۸۳، ص ۱۶۸.